

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی

مصطفی ظهیری نیا^۱

قاسم طاهری^۲

چکیده

عصر کنونی در بیشتر ابعاد، بویژه در بعد فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شده که پیچیدگی و شتاب، ویژگی بارز آنهاست. گستره این تغییر و تحولات از کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده تا نهادها، سازمان‌ها و واحدهای کلان اجتماعی را دربرمی‌گیرد. در این فرآیند دگرگونی و تغییرات، جامعه روستایی نیز بی‌نصیب نبوده و به دلایلی چون توسعه ارتباطات و فناوری، فراگیر شدن علم و دانش، آگاهی مردم نسبت به اطراف و اکناف، آشنایی با اقوام و گروه‌ها و حتی ملل دیگر، از این قافله پرشتاب و پر زرق و برق عقب نمانده است. از این رو، مقاله حاضر به بررسی تغییرات ازدواج در روستای بابامنیر از توابع بخش ماهورمیلاتی شهرستان ممسنی در استان فارس در سه دوره تاریخی ۱۳۲۰-۱۳۰۰، ۱۳۵۷-۱۳۲۱ و ۱۳۹۲-۱۳۵۷ پرداخته است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق مشاهده مشارکتی و به کمک مصاحبه و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک موجود گردآوری شده است. نتایج نشان داد که روستای بابامنیر، همپای دیگر مناطق و جوامع، هرچند با شدت و ضعف متفاوت دچار تغییر و تحولات گردیده است. عوامل مهم و مؤثر بر تغییر و تحولات در زمینه ازدواج در روستای بابامنیر عبارت‌اند از: احداث راه‌های ارتباطی (جاده)، گسترش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، توسعه آموزش و پرورش رسمی، تأسیس نهادهای دولتی و جایگزینی نسلی. همچنین نتایج نشان داد مسائلی مانند مناسک و آیین‌های سنتی، خانواده و مراحل ازدواج هر چند در ظاهر دچار تغییر و تحول شده، از نظر محتوا همچنان ثابت‌اند و حتی گاهی با کمی تغییر در شیوه و روش، هنوز پابرجا هستند.

کلیدواژه‌ها: تغییرات تطبیقی ازدواج، روستای بابامنیر، ماهور میلاتی، نورآباد ممسنی

۱. دکتری جامعه‌شناسی عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان. mozan54@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. armoonmahour@yahoo.com

قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم به دلیل وقوع تحولات جهان سوم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت فناوری از نظر تحلیلگران مسائل اجتماعی، عصر توجه به عوامل و شرایط دگرگونی‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تمام جوامع، چه به صورت ناگهانی و چه به صورت آرام و نامحسوس، هر روز شاهد تغییراتی است که کم‌وبیش با گذشته خود هماهنگی دارند و طرح و مسیر کم‌وبیش مشخصی را تعقیب می‌کنند. (روشه، ۱۳۷۰: ۲۲). چگونگی بررسی و پرداختن به این مقوله خود باعث به وجود آمدن مکاتب و به قول دکتر روح‌الامینی دبستان‌های گوناگونی شده است. هر کدام از دانشمندان و جامعه‌شناسان نیز با توجه به رویکرد سازماندهی شده مکاتب، به این موضوع پرداخته‌اند که همین تعدد افکار و آمار، خود حکایت از پیچیدگی، اهمیت و ضروری بودن این بحث دارد.

جمعیت روستایی در ایران بخش عظیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ سهم جمعیت روستایی در کشور ۲۸/۶ درصد از کل جمعیت بوده است که البته این آمار در دهه‌های گذشته با وضعیت کنونی متفاوت بوده است.

تغییرات و تحولات در زندگی موضوع جدیدی نیست، اما پرداختن به پدیده تغییر و تحول با شاخص‌های گوناگون، اکنون یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولاتی است که توجه اندیشمندان را به خود معطوف ساخته است. در این زمینه، ابعاد اجتماعی و فرهنگی به دلیل ارتباط مستقیم، نزدیک، همیشگی و تأثیرگذار بر زندگی انسان، طیف وسیعی از مطالعات و تحقیقات را به خود اختصاص داده‌اند. این نوع مطالعات، بویژه در جوامع روستایی، دغدغه بسیاری از پژوهشگران و متفکران اجتماعی بوده است. از آنجاکه روستا یکی از انواع جایگاه زیستی - اجتماعی مردمان محسوب می‌شود و بخش عمده‌ای از جمعیت هر جامعه را در خود جای داده است، توجه و پرداختن به پدیده تحول و تغییر در روستا، همپای دیگر جوامع شهری و عشایری، در ابعاد مختلف و با شاخص‌های گوناگون همواره مدنظر جدی بوده است.

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۶۳

بر این اساس، این مقاله، به تغییر و تحولاتی که در زمینه ازدواج در جامعه روستایی بابامنیر به وقوع پیوسته است، می‌پردازد. به دلیل گستردگی ابعاد موضوع، در این مقاله برخی از مفاهیم و مقولات مرتبط با ازدواج که در روستای بابامنیر نمود و جلوه بیشتری دارد، مدنظر قرار گرفته و در طی سه دوره تاریخی - دوره اول از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (پهلوی اول)، دوره دوم از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۵۷ (پهلوی دوم)، دوره سوم از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ (پس از انقلاب اسلامی) - به آنها پرداخته شده است.

از آنجا که طی بیش از پنج دهه که از مرکزیت بخش ماهورمیلاتی می‌گذرد، روستای بابامنیر در ساختار اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی خود تغییر و تحولات عدیده‌ای را به خود دیده است، مقاله حاضر قصد دارد به پرسش زیر پاسخ دهد: تغییر و تحول در سبک‌های زندگی، نهاد خانواده، ازدواج و... در چه سمت و جهتی صورت گرفته است؟

علاوه بر تغییرات و تحولاتی که در طول دهه‌های گذشته به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در روستای بابامنیر روی داده، توجه به ترکیب قومی - اجتماعی دوگانه^۱ موجود در روستاهای منطقه ضرورت بررسی این موضوع را دوچندان کرده است.

توصیف روستای بابامنیر

روستای بابامنیر، مرکز بخش ماهور میلاتی از توابع شهرستان نورآباد ممسنی در شمال غربی استان فارس است. ماهور میلاتی با وسعت ۲۸۸۳ کیلومترمربع، در سال ۱۳۴۰ شمسی به‌عنوان بخش به مرکزیت روستای بابامنیر (شهر بابامنیر) تأسیس شده است که حدود ۴۰ درصد از مساحت شهرستان ممسنی را تشکیل می‌دهد و در فاصله ۴۹ کیلومتری شهر نورآباد، مرکز شهرستان ممسنی قرار دارد. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ جمعیت روستای بابامنیر ۲۲۰۲ نفر است که از این تعداد ۱۰۷۶ نفر مرد و ۱۱۲۶ نفر زن هستند و در قالب ۴۱۱ خانوار روستایی زندگی می‌کنند. شغل اصلی مردم منطقه، کشاورزی و دامپروری است؛ هر چند به لحاظ

۱. دو گروه قومی لر و ترک در روستای بابامنیر سکونت دارند.

۱۶۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گونه‌های جنگلی فراوان و درخت‌های بادام‌کوهی و بنه، بخشی از درآمد روستاییان منطقه از این طریق نیز تأمین می‌شود. از صنایع دستی منطقه می‌توان به گلیم، جاجیم، گبه و قالی اشاره کرد که به دست زنان روستایی و عشایری بافته می‌شود.

اهداف، ادبیات و روش پژوهش

بررسی تغییر و تحولات ازدواج در روستای بابامنیر هدف اصلی این پژوهش است، اما به تبع این هدف کلی، اهداف جزئی زیر نیز دنبال می‌شود:

۱. بررسی تغییرات روابط اجتماعی و فرهنگی بین گروه‌های قومی ساکن در منطقه
۲. بررسی تغییرات مربوط به شکل و نحوه برگزاری مراسم آیینی
۳. بررسی عوامل مؤثر بر تغییرات ازدواج در منطقه

شیوه‌های همسرگزینی و ازدواج در همه جوامع، تحت تأثیر جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، همواره دستخوش دگرگونی و تغییراتی بوده و بدون شک جامعه ایرانی نیز در این زمینه تغییراتی را تجربه کرده است. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، ازدواج‌های خورشاوندی و نقش تعیین‌کننده والدین در همسرگزینی فرزندان، ویژگی بارز خانواده‌های ایرانی تلقی می‌شد، اما در طی چند دهه اخیر، خانواده ایرانی متأثر از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، دچار دگرگونی‌های چشمگیری شده است (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا: ۱۳۸۹). پژوهش‌های بسیاری در این موضوع در ایران انجام شده که هر یک به نوعی نشان داده‌اند که الگوهای ازدواج خانواده ایرانی در طول زمان تغییراتی را تجربه کرده است. در زیر به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

حسین محبوبی‌منش (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات اجتماعی ازدواج» به بررسی تغییرات اجتماعی ازدواج در ایران پرداخته است. وی ضمن ارائه نظریات جامعه‌شناسی خانواده و آثار سازنده ازدواج بر فرد، تغییرات کمی و کیفی ازدواج در ایران را بررسی کرده است.

خلج‌آبادی فراهانی و رحیمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیا و اقیانوسیه

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بامامیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۶۵

طی چهار دهه گذشته (۲۰۱۰-۱۹۷۰) به بررسی روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در ایران در مقایسه با ده کشور از کشورهای آسیا و اقیانوسیه طی چهار دهه (۱۹۷۰-۲۰۱۰) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که همه کشورهای منتخب این مطالعه، از نظر شاخص‌های مورد بررسی از الگوی یکسانی پیروی نمی‌کنند. کشورهایی که در یک حوزه جغرافیایی قرار دارند، در برخی شاخص‌ها دارای الگوی نزدیک به هم هستند و در برخی شاخص‌های دیگر، از یکدیگر متفاوت‌اند. در کل سه الگو در منطقه وجود دارد: الگوی اول دارای تغییرات سریع، شتاب‌زده و افزایشی چشمگیر در سن ازدواج و مجرد قطعی در نیم‌قرن گذشته هستند؛ مانند استرالیا و ژاپن. الگوی دوم شامل کشورهایی است با روند افزایشی و گهگاه کاهش‌ی در میانگین سن ازدواج و شروع تغییرات افزایشی مجرد قطعی مانند کشورهای ایران، تایلند، مالزی، آذربایجان و نیوزلند. الگوی سوم شامل کشورهایی است با شیب بسیار ملایم افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی بسیار پایین؛ مانند کشورهای چین، هند و تاجیکستان. به نظر می‌رسد که جدای از عوامل اقتصادی و شاخص‌های توسعه، عوامل فرهنگی و ارزشی مربوط به ازدواج، تعیین‌کننده قوی‌تری در چگونگی تغییرات شاخص‌های ازدواج در برخی از کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه به شمار می‌رود.

امانی (۱۳۸۰) در پژوهشی دیگر با عنوان «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (۱۳۷۵-۱۳۳۵)» به موضوع تغییرات الگوهای ازدواج در ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، با وجود اینکه ازدواج در ایران مبتنی بر زودرسی و فراگیری در محدوده سنی بوده است، طی شش سرشماری و آمارگیری، به‌طور کلی شاهد افت این دو خصیصه هستیم. به‌طوری‌که در سرشماری ۱۳۷۵ نزدیک به ۵۰ درصد مردان در سنین قانونی هنوز ازدواج نکرده و ۴۰ درصد زنان نیز زندگی زناشویی را آغاز نکرده بوده‌اند. سن متوسط ازدواج نیز همزمان با این تنزل ازدواج مردان و زنان رو به افزایش است. طی سرشماری‌ها مسئله چندزنی بارز گردید، اما در آخرین سرشماری تنزل سریع آن مشاهده شد. بر اساس داده‌های سرشماری چنین استنباط می‌شود که افزایش میزان سواد و تحصیلات بر بالا رفتن سن ازدواج مردان و زنان مؤثر است.

۱۶۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جعفری مژده‌ی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران» به بررسی تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد، بر اساس تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر در ایران، بویژه در دهه ۶۵-۱۳۵۵ ساختار سنی - جنسی جمعیت به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. این تغییر ساختاری جمعیت در ایران، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی را به دنبال داشته که در مقاطع زمانی گوناگون، به شکل انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را به جامعه تحمیل کرده است. یکی از این پیامدها ایجاد عدم تعادل در تعداد دختران و پسرانی است که در سنین ازدواج قرار دارند. این نبود تعادل یعنی وجود تعدادی از دختران مجرد که ازدواج نخواهند کرد.

محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه» با نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از افراد در آستانه ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز منتخب بهداشتی - درمانی شهر کرمانشاه، به بررسی تفاوت‌های بین نسلی ازدواج‌های خویشاوندی و عوامل پشتیبان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، سطح تحصیلات پاسخگویان، سطح تحصیلات مادران و نسبت خویشاوندی والدین با یکدیگر، تأثیر معناداری بر ازدواج خویشاوندی در نسل بعدی دارد. سابقه ازدواج فامیلی والدین، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ازدواج خویشاوندی در بین فرزندان است.

از آنجا که موضوع این مقاله بررسی تغییرات ازدواج در روستای بابامنیر است، برای بررسی این مسئله از روش توصیفی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش نیز از طریق مصاحبه و مشاهده (مشارکتی و غیر مشارکتی) و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک موجود گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش روستای بابامنیر از توابع بخش ماهور میلانی شهرستان نورآباد ممسنی استان فارس است. جمعیت محدود روستا، دسترسی آسان به مطلعین محلی، آگاهی و شناخت پژوهشگر از مردم و منطقه به عنوان یکی از اهالی روستا، استفاده از مصاحبه و مشاهده مشارکت، ثبت و ضبط داده‌ها و اطلاعات از طریق تصویر و عکس، تجربیات معتمدان روستا و دسترسی به اسناد تاریخی، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق را ممکن نمود.

یافته‌های پژوهش

خانواده گسترده نوع غالب خانواده در روستای بابامنیر بوده که ترکیب اعضای آن شامل پدر، مادر، فرزندان، نوه‌های پسری و پدربزرگ و مادربزرگ پدری است. همچنین در برخی موارد علاوه بر ترکیب فوق، فرزندان خواهر یا برادر که یتیم و بی‌سرپرست شده‌اند نیز در این خانواده و ترکیب جا می‌گرفتند. به‌هرحال با توجه به شرایط و موقعیت از لحاظ اقتصادی، عاطفی و اجتماعی، روستائینان هنوز خود را در یک مال و بنکو و طبقه ایل می‌دانند؛ تا جایی که اصطلاح «بیله» (گروه خویشاوندی، سببی و نسبی) به کار می‌برند که حکایت از تداوم خانواده گسترده در این روستا دارد. ازدواج درون‌گروهی و نفوذ گروه‌های خویشاوندی در تمامی شئون زندگی و امور مربوط به خانواده و حتی روستا، زمینه را برای نوعی خاص از خانواده گسترده آماده و ارائه می‌نمود. عواملی چون تعداد فرزندان، مرگ‌ومیر به دلایلی چون نبود بهداشت و امکانات و تسهیلات، کمبود مشاغل، نبود تخصص، نبود تحرک اجتماعی و تحرک مکانی، نبود دسترسی به امکانات و در کل نبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسب، موجب وابستگی خویشاوندی و یک‌مکانی و یک‌سرپرستی می‌شود که نشان از خانواده گسترده بوده و هست. در این مقوله، پدرمکانی کاملاً به چشم می‌خورد؛ به‌طوری‌که پسران بعد از ازدواج نیز در زیر چتر حمایتی پدر در هر مکانی که پدر باشد، قرار می‌گیرند.

بعد خانواده

پدیده‌های اجتماعی، در جوامع گوناگون اشکال متفاوتی دارد که تابع ساخت کلی جامعه و نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است. منظور از آن، تعداد افراد خانواده است که چه به‌صورت رسمی یا عرفی یا شرعی جزء یک خانواده قرار دارند؛ کسانی که تحت سرپرستی صاحبخانه و خانواده که بیشتر مواقع پدر است، قرار دارند و در تمامی شئون از تأمین معیشت خانواده تا مکان خواب، استراحت، ازدواج و امور دیگر، تحت حمایت پدر و صاحب خانواده هستند.

اهالی روستای بابامنیر، چون دیگر روستانشینان و جامعه عشایری آن‌گونه که از شواهد برمی‌آید و مقتضیات مکانی و زمانی ایجاب می‌کرده است، تمایل به داشتن فرزند زیاد داشتند که در کارهای کشاورزی، دامداری و صنایع دستی - که رابطه مستقیمی با تعداد نیروی کار خانواده دارد - از نیروی آنها استفاده شود. با این حال با توجه به شیوه‌نامه برخی از روستاییان و مطالعه نگارنده، با آنکه زاد و ولد زیاد بوده اما مرگ و میر کودکان باعث بُعد کم خانواده در اینجا بوده است.

مردمان روستا در دهه‌های گذشته با آنکه از دارو و عوامل پزشکی کنونی برای کنترل جمعیت بی‌بهره بوده‌اند، اما همان‌طور که ذکر شد، مرگ و میر کودکان با کوچک‌ترین بیماری، امیدی به زنده ماندن آنان نبود و برخلاف دیگر جوامع قبل از آنکه داروهای ضدبارداری و کنترل در آنها یافت شود، دارای بُعد خانواده کمتر از سایر جوامع بودند. با آنکه می‌بایست بُعد خانواده در این‌گونه روستاها و اقوام بیشتر باشد.

توزیع قدرت در خانواده

از آنجا که خانواده کوچک‌ترین جزء اجتماعی و مرکز اصلی جامعه بویژه جوامع روستایی و عشایری است، بحث توزیع قدرت در آن نیز همانند جوامع روستایی و عشایری در مناطق دیگر به‌طور عمودی و حول محور اصلی پدر می‌چرخد.

نظام خانواده و مقوله توزیع قدرت در روستای بابامنیر عمودی است. چنانچه توزیع قدرت را به‌صورت هرم در نظر بگیریم، در خانواده روستای بابامنیر پدر به‌عنوان رئیس و سرپرست خانواده محسوب می‌شود. قدرت پدر حتی پس از مرگ نیز می‌تواند خود را نشان دهد. دایره اختیارات پدر وسیع است و در این دایره کسی با ایشان مخالفت نمی‌کند. البته مشورت و همکاری در بیشتر موارد وجود دارد و پدر تصمیم نهایی را می‌گیرد و مسئولیت آن را نیز می‌پذیرد. چرایی و دلایل این دایره اختیارات برای پدر خانواده را می‌توان شامل موارد زیر دانست: توان و نیروی بدنی به دلیل کارهای کشاورزی و دامداری، تجربه بیشتر (به قول اهالی روستا، یک پیراهن بیشتر پاره کرده

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۶۹

است)، قدرت بیان و کنترل احساس و عاطفه، نیرو و توان تحمل سختی‌ها و مشکلات و از همه مهم‌تر نوع آموزش این روستا که به صورت مکتب‌خانه و مخصوص آقایان بود. در نهایت، فرهنگ و اصلی که پیشینه فرهنگی و تاریخی در جوامع ایران بویژه روستایی و عشایری دارد، مبنی بر پدرسروری بوده است.

پدر در حوزه خانوادگی، با همراهی و مشورت کدخدا و بزرگ خانواده و روستا در بیشتر مواقع از جمله تعیین شیربها، مهریه، رضایت در ازدواج فرزندان بویژه دختران قادر به تصمیم‌گیری بود. گاهی نیز حق تنبیه کردن همسر را داشت و همسر در این مواقع چون دیگر تصمیمات، چاره‌ای جز اطاعت نداشت.

پدر به عنوان نان‌آور خانه در این روستا چون دیگر مناطق کشور حق و حقوقی بیش از زن و فرزندان برای خود قائل بود. در نهایت همه کارهای خانواده از کوچک‌ترین جزء تا بزرگ‌ترین آن در حیطه و نظارت کامل پدر خانواده بود و مخالفی نیز در این باره وجود نداشت و همگی این پدرسالاری را قبول داشتند و به عنوان یک حکم پذیرفته بودند. دار و ندار خانواده اعم از منقول و غیرمنقول نیز در اختیار تام پدر خانه یا رئیس خانواده بود که در برابر مسائل و مشکلات اقتصادی، معیشتی، اجتماعی، کشاورزی و دامداری در درون خانواده صاحب قدرت کامل بود که این دایره قدرت پس از مرگ گاهی همچنان تا مدت‌ها باقی می‌ماند و بعد هم به پسر ارشد آن خانه می‌رسید. چنانچه خانواده‌ای فرزند پسر نداشت، زن خانه و در برخی مواقع عموی خانواده - برادر پدر خانه - به وظایف رسیدگی می‌کردند و قدرت دار آن خانواده می‌شدند.

ازدواج

ازدواج پایه بنیادی تشکیل خانواده و جامعه است و به انواع گوناگون و با شرایط و موقعیت‌های مختلف مشاهده شده و به آن پرداخته شده است. اما آنچه در این پژوهش

۱۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مدنظر است، آن‌گونه ازدواج‌هایی است که در این منطقه بیشتر^۱ به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از: ازدواج ناف‌برون، ازدواج خون‌بس، ازدواج گل‌به‌گل (گابه‌گا)، ازدواج فامیلی، ازدواج هم‌بهری، ازدواج شیربهایی (باشلقی)

۱. ازدواج ناف‌برون: نوعی همسرگزینی که از سوی بزرگان خانواده و طایفه صورت می‌پذیرفت. این نوع ازدواج مربوط به جوانانی است که در کودکی، خانواده‌های آنان به اصطلاح نافشان را برای هم می‌بریدند و چه بخواهند و چه نخواهند باید به عقد هم درآیند.

۲. ازدواج خون‌بس: در بین قبایل و گروه‌های قومی گاهی جنگ و درگیری به وجود می‌آمد که این درگیری گاهی باعث کشته شدن افراد آن قوم می‌شد. در این موقع برای ایجاد صلح و از بین بردن کینه حاصل از قتل و برقراری امنیت، دختر یا خواهر یا یکی از بستگان قاتل را به عقد یکی از نزدیکان کسی که در درگیری کشته شده بود، درمی‌آوردند. در واقع عروسی که به جای خون، به خانواده و طایفه و قوم کشته‌شده می‌آمد، از حقوق چندانی برخوردار نبود. این ضرب‌المثل که مگر دخترمان جای خون آمده که با او چنین رفتار می‌شود، حکایت از حقوقی است که آن دختر و عروس از آن بهره‌مند نبودند. البته در عمل کمتر چنین ظلمی به آنها می‌شد.

۱. در این مقاله برخی از انواع ازدواج مانند ازدواج موقت و ازدواج با بیوه برادر، به دلیل بسامد کمتر مورد تحلیل قرار نگرفته است. در ذیل این دو ازدواج مرور می‌شود:

ازدواج موقت: نوعی از ازدواج است که در برخی از جوامع بر طبق سنت یا عرف و شرع، یا به هر دلیلی دیگر وجود داشته و دارد. بنا بر مشاهدات و بررسی‌های انجام‌شده، در این روستا از حدود ۹۰ سال پیش که مطلعین، خود زنده و شاهد بوده‌اند، هیچ‌گونه ازدواج موقتی رخ نداده است. حتی اهالی روستا اعم از عشایر ترک‌زبان و لر زبان، این نوع ازدواج را بسیار زشت و ناپسند می‌دانند.

ازدواج با بیوه برادر: چنانچه مردی از اهالی روستا از دنیا می‌رفت و دارای زن و بچه بود، کدخدا و بزرگان محل طبق سنت گذشته، وظیفه نگهداری و تأمین معیشت زن بیوه و بچه‌هایش را بر عهده برادر بزرگ مرد متوفی می‌گذاشتند و برادر بزرگ متوفی می‌بایست با بیوه برادر ازدواج کند. چنانچه متوفی برادر نداشت، یکی از پسران عمو می‌بایست این وظیفه را به انجام برساند. حتی با توجه به روایت مطلعین و اظهار آنان مواردی مشاهده شده بود که مرد قبل از مرگ، وصیت می‌کرد و ازدواج با برادر یا در صورت نداشتن، با پسرعمو را اعلام می‌نمود.

طبق اظهار مطلعین، موردی نیز در این روستا مشاهده گردید که حدود ۹۰ سال پیش، فردی وصیت نمود که بیوه وی، بعد از مرگش، با عموزاده‌اش ازدواج کند. کاملاً مشخص است که یک نوع کامل و بی‌نقص درون‌همسرگزینی صرف رایج بوده است.

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۷۱

۳. ازدواج گابه‌گا (گل به گل): این نوع ازدواج در جوامع سنتی و عشایری به‌وفور دیده می‌شود و بدین طریق بود که برادر و خواهری از یک خانواده، پیوند زناشویی خود را با خواهر و برادری از خانواده دیگر با موافقت بزرگان و خویشان صورت می‌دادند. آنچه از این نوع ازدواج برمی‌آید، ایجاد امنیت و صلح بین خانواده و دوری از کشمکش است و بهترین فایده این نوع ازدواج دوام بیشتر است.

۴. ازدواج فامیلی: در جوامع سنتی و بویژه در این منطقه چون دیگر مناطق عشایری و روستایی، حق تقدم ازدواج با فامیل، آن‌هم از نوع درجه اول یعنی فرزندان عمو، عمه، خاله و دایی است و چنانچه در فامیل چنین چیزی نبود، خواستگاری از دختران دیگر صورت می‌گرفت. این به دلیل انسجام و یکپارچگی‌ای بود که می‌بایست در خانواده و گروه برقرار شود و همچنین به دلیل رفت‌وآمد بیشتر درون‌گروهی و ارتباط کمتر به شهر یا قومی دیگر صورت می‌پذیرفت.

۵. ازدواج هم‌بهری: گاهی فرزندی از یک خانواده به دلایلی چون فوت پدر و مادر یا یکی از آنان، فقر خانواده، نیاز خانواده دیگر به نیروی انسانی و دلایل دیگر، در خانواده دیگری که دارای امکانات بیشتر و نیازمند به نیروی انسانی است، مشغول به کار می‌شود و زمانی که به مرحله ازدواج می‌رسد، خانواده صاحب‌خانه او را به‌عنوان شریک یا هم‌بهر قبول می‌کند و در تمام مال و اموال خود شریک می‌داند. پس از خواستگاری چنین جوانی (هم‌بهر) از دختر خانواده، صاحب‌خانه دختر را به عقد او درمی‌آورد و از ایشان مهریه و شیربها نمی‌گیرد؛ به دلیل اینکه ایشان را شریک و جزء این خانواده می‌داند.

۶. ازدواج باشلقی (شیربها): اگر پسری تمایل داشت با دختری ازدواج کند، پس از گفتگو و صلاح و مشورت با کدخدای محل و ریش‌سفیدان، به خانه پدر دختر می‌رفتند و پدر دختر به کدخدا و ریش‌سفیدان می‌گفت: به خاطر زحمتی که کشیده و همچنین حرمت کدخدا و ریش‌سفیدان اجازه دختر دست خودتان است - البته زمانی که پدر کمی رضایت داشته باشد - اما در ازای آن مقداری پول یا چند رأس مال (گاو و بز) طلب می‌کرد و چنانچه خانواده پسر توانایی تأمین خواسته پدر دختر را داشتند، ازدواج صورت می‌گرفت و چنانچه خانواده پسر دارای چنان مال‌ومالی نبود، ادامه خواستگاری و ازدواج نیز صورت نمی‌گرفت.

طلاق

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با مطلعین - تا زمانی که آنان به یاد دارند - در این منطقه هیچ‌گونه طلاق‌ی به وقوع نپیوسته است. مصاحبه‌شوندگان دلایل این امر را اعتقاد به سنت و دین، احترام به بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدان، کم‌توقعی و سازگاری مردم، درون‌همسرگزینی، ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با طرفین ذکر کرده‌اند.

مراحل ازدواج^۱

خواستگاری (رسیلی): کدخدا با چند تن از معتمدان، بزرگان، پدر پسر و پسر به منزل پدر دختر مورد نظر می‌رفتند و پس از تعارفات اولیه و پذیرایی که معمولاً شامل صرف چایی و کشیدن قلیان و خوردن میوه بود، کدخدا شروع به صحبت می‌کرد و جریان آمدنشان را برای پدر و اهل خانه شرح می‌داد. خانواده دختر که گاهی از کم و کیف کار اطلاع داشتند و بیشتر مواقع نیز راضی به پیوند با آن خانواده بودند، به احترام کدخدا و همراهانش جواب مثبت می‌دادند.

بله‌برون: پس از خواستگاری و مهلت برای جواب، کدخدا همراه با بعضی از اهالی ده، ضمن صرف ناهار یا شام، در خانه دختر منتظر جواب از سوی پدر دختر می‌ماندند و پس از کلی گفتگو در مورد مسائل مختلف ده، جواب مثبت را برای بقیه کارهای ازدواج می‌گرفتند. در این جلسه (بله‌برون) قرارومدار را برای روز عقد و جشن عروسی می‌گذاشتند.

مهریه (پشت قواله): هیچ‌گونه سند معتبری دال بر مبلغ و مقدار و چيستی مهریه از مردمان گذشته این روستا وجود ندارد اما از آنجاکه مردمان این روستا همگی پیرو دین اسلام و مذهب شیعه بوده‌اند، مهریه یکی از ارکان اصلی بود. این مرحله از رکن ازدواج نیز همراه با دگرگونی و تغییرات دیگر و همپای تغییرات در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، دستخوش تغییرات و نوساناتی گشته است. از دادن یک رأس گاو، گوسفند یا شتر گرفته تا بعدها که به پول نقد و طلا تبدیل شد. به عبارت دیگر آنگاه که مردم از

1. rasili

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۷۳

طریق دادوستد به زندگی و معیشت می‌پرداختند، با معاملات پایاپای چرخ اقتصادی می‌چرخید، اما آنگاه که پول وارد اقتصاد اهالی روستا گردید، این مقوله نیز دچار دگرگونی شد. بر اساس بررسی انجام شده از افراد مسن که حدود ۹۰ سال دارند، مهریه آنها در حدود ۲۰۰ تومان بوده است. همچنین مهریه مادران خود را که یک رأس گاو یا شتر یا گوسفند بوده را کاملاً به یاد می‌آورند.

جهیزیه (پشا)^۱: جهیزیه در این روستا به «پشا» معروف است؛ رسمی کهن که در بیشتر جوامع بویژه ایرانیان وجود داشته و دارد. بردن جهیزیه از سوی دختر یکی از مراحل ازدواج در پیوند زناشویی در میان اهالی روستا است. در کل، جهیزیه یا پشا لوازم و اثاثی است که خانواده دختر به فراخور توان مالی به همراه عروس برای برپایی زندگی جدید به خانواده داماد می‌دهند.

پشا یا جهیزیه اغلب در آن دوران شامل: خورجین، جاجیم، گلیم، گبه (قالی) و ظروف (مثل قابلمه، پاتیل، لگن خمیر آرد، تیر و خونک برای پختن نان)، چند زیرانداز معمولی، پالون اسب ترکمنی، مشک آب، بالش و مقداری پول^۲ - بود. معمولاً اقلام جهیزیه در فهرستی دو نسخه‌ای نوشته و یکی نزد پدر عروس و دیگری نزد عروس نگه‌داشته می‌شد.

شیربها: شیربها در زبان ترکی «باشلق» نامیده می‌شود که عبارت است از مقدار پول یا زنده‌مال که پدر عروس از خانواده داماد با توجه به توان مالی آنان طلب می‌کند و عندالمطالبه است و خانواده داماد نیز موظف به پرداخت و تهیه آن هستند.

شیربها در این روستا نیز همانند دیگر مکان‌ها، نوعی پدیده اجتماعی تلقی می‌شود که با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی قابل دگرگونی است و در هر حال دارای کارکردهای به نسبت یکسان و نزدیک به هم است؛ از جمله: به‌عنوان نوعی سپاس و قدردانی از خانواده عروس برای تربیت کردن و بزرگ کردن آن دختر و همچنین نوعی ابراز احساسات به منظور ارائه خدمت به خانواده عروس از سوی داماد

1. Pašâ

۲. تقریباً حدود ۴۰۰ تومان.

۱۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

محسوب می‌شود. از سوی دیگر کارکردی که می‌توان از این پدیده اجتماعی به صورت آشکار دید، قرب و منزلتی است که به شأن دختر داده می‌شود که پرداخت نشدن آن را اهانت به دختر و خانواده عروس می‌دانند.

اهالی روستا در پرداخت شیربها هم می‌توانستند با توجه به توان مالی خود پول نقد بدهند که بیشترین آن ۴۰۰ تومان یا ۵۰۰ تومان بود - این مبلغ طبق گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان که خود شاهد عینی آن بوده، مربوط به ۸۰ سال پیش است - در صورتی که خانواده عروس زنده‌مال می‌خواستند، مثل گاو، شتر، اسب و گوسفند، با توجه به موقعیت طرف مقابل یک نوع را انتخاب یا از هر کدام تعدادی را طلب می‌کردند که معمولاً از ۵ رأس بالاتر بود.

عقد: فاصله بین خواستگاری و عقد از ۵ روز تا ۱۵ روز، حال با توجه به موقعیت زمانی و مکانی کم‌وزیاد می‌شد، اما اغلب مواقع در ۵ تا ۱۵ روز فاصله میان خواستگاری و عقد هر دو خانواده خود را آماده می‌کردند. تمامی مخارج عروسی با داماد بود. البته ناگفته نماند که مراسم خواستگاری و جواب مثبت گرفتن شاید چندین بار انجام می‌شد تا به نتیجه برسد و در همان خواستگاری اول خیلی کم اتفاق می‌افتاد که خانواده عروس جواب بدهند، بلکه به چند روز دیگر موکول می‌شد و دوباره این مراسم انجام می‌شد.

حنابندان: یک‌شب جلوتر از روز عروسی خانواده عروس چند کیسه حنا را در لگنی می‌ریزند و آنها را با آب به صورت خمیر درمی‌آورند و سپس زنان آبادی را دعوت می‌کنند و پس از آمدن زنان که همراه با شادی و کِل و گَالِه^۱ و رقص و دستمال‌بازی است، از آن حنا بر سر، دست، پا و کف دست و انگشتان عروس می‌گذارند و بدون حضور داماد، تا پاسی از شب شادی‌کنان در خانه عروس به رقص می‌پردازند. فردای آن روز کاسب (زن سلمانی) برای شستن و حمام کردن عروس به خانه پدر عروس می‌آمد و او را حمام می‌کرد.

۱. kel o gāla صدایی با آواز بلند که زنان در هنگام شادی سر می‌دهند.

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۷۵

حجله: بنا بر اطلاع مصاحبه‌شوندگان، آن زمان که خانه به‌صورت کومه^۱ بود، یک کومه را با گلیم، درخت مورد، آلاچیق و گمبول^۲، گبه و پارچه‌های رنگی به عنوان حجله عروس تزئین می‌کردند و عروس و داماد به مدت یک هفته در آن بودند و غذا و آب برایشان آماده می‌کردند و به آنان می‌دادند و نمی‌توانستند بیرون بیایند و شب‌هنگام فقط برای هواخوری بیرون می‌آمدند.

این حجله به مدت ۴۰ روز برپا بود و بعد از ۴۰ روز حجله را جمع می‌کردند و درختچه‌های مورد را گوشه‌ای می‌گذاشتند. در هنگام ورود به حجله می‌بایست به عروس پاگشا می‌دادند و قبل از آن نیز گوسفندی را در جلوی پای عروس و داماد می‌کشتند. در داخل حجله که با هلله و کِل و گاله و رقص و شادی همراه بود، «مراسم روگشان» انجام می‌شد. بدین‌صورت که پس از کلی شادی، داماد می‌بایست پارچه رنگی و دستمالی را که بر روی صورت و سر عروس کشیده شده بود، کنار بزند، اما قبل از آن می‌بایست مقداری پول یا زنده‌مال به عروس بدهد و بعد پارچه و دستمال را کنار بزند که به همراهی دیگران و با شادی این عمل صورت می‌گرفت و به آن روگشان می‌گفتند.

ساز سحری: در بامداد و در دمامد گرگ‌ومیش یا به قولی تاریک - روشن صبح، مهتر ساز را کوک می‌کرد و پس از خوردن صبحانه، برای شروع رقص و پایکوبی که در خانه داماد یا در گوشه‌ای وسیع از روستا بود، با نواختن ساز به اهالی ده اطلاع می‌داد؛ چیزی همانند درآمد در موسیقی و پیش‌درآمد در آغاز آواز. کارکرد دیگر آن جمع کردن اهالی ده برای جشن و پایکوبی، گرم کردن خود مهتر و ادوات موسیقی و آماده نمودن مردم برای آغاز شادی و هلله بود.

اومیخکی^۳: در روز عروسی مراسمی بود که در هنگام بزک کردن که بیشتر چتر عروس^۴ بود و کوتاه کردن چتر انجام می‌گرفت و به آن اومیخکی می‌گفتند. زنان محل

1. kuma

۲. آویزه سنتی.

3. umixaki

۴. موهای جلوی سر عروس را می‌گفتند.

به اندازه توان مالی خود، پول یا اشرفی به عروس می‌دادند. بزک کردن و زدن چتر عروس، از سوی کاسب که همان زن خطیر یا سلمانی است صورت می‌گرفت.

دوما و رو^۱ (داماد به رودخانه) یا حمام کنون: همان روز عروسی قبل از آوردن عروس چند نفر از مردان روستا، داماد را به همراه کاسب مرد^۲ به رودخانه روستا می‌بردند و پس از حمام کردن داماد که با شادی و دست و رقص انجام می‌شد، او را به خانه برمی‌گرداندند و بعد «مراسم سرتراشون» انجام می‌گرفت.

سرتراشون: پس از آوردن «داماد از دوما و رو» (داماد به رودخانه)، تعدادی از اهالی محل در خانه داماد جمع می‌شدند و با ساز و نقاره او را بر روی سکوی بلندی می‌نشانند و کاسب به اصلاح سروصورت او می‌پرداخت. در این میان چوب‌بازی و شادی مردان با کِل‌های متعدد زنان همچنان ادامه داشت. لنگ یا پارچه‌ای که تا زانوی داماد بلندی داشت، برای اصلاح سروصورت دور گردن او می‌انداختند تا همان‌طور که کاسب به اصلاح مشغول بود، مردم نیز به فراخور، پول و سکه اشرفی در آن بیندازند. این عمل را شاباش هم می‌گفتند که بستگان و اهالی، پول یا هدیه را در لنگ می‌انداختند که مقداری از این هدایا به داماد و مقداری هم به کاسب تعلق می‌گرفت.

رقص و پایکوبی: چوب‌بازی مردان از مشخصه اصلی و جدایی‌ناپذیر جشن عروسی بود و همه اهالی در آن شرکت می‌کردند. زنان با رقص دستمال‌بازی از پیر و جوان، طراوت و شادابی خاصی به مراسم می‌دادند و مهتر، بعد از زدن چند مقوم^۳ (آهنگ) ریتم را عوض می‌کرد و مردم را از رقصی به رقص دیگر می‌برد. این دور تا پاسی از شب ادامه داشت که با «قص^۴» یا همان آهنگ، پایان جشن اعلام می‌شد.

پذیرایی روز عروسی: در شب یا روز عروسی تمامی اهالی ده به صرف شام و ناهار از طرف خانواده داماد دعوت می‌شدند؛ برنج را در سینی پهن و بزرگی که به آن «مجمع» می‌گفتند، می‌ریختند و بر روی آن نیز گوشت می‌گذاشتند و با چند نان

1. dumâ va ru

۲. سلمانی.

3. moqum

4. qas

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۷۷

محلی (نان تیری) که بر روی آن کشیده شده بود، جلوی هر دو یا سه نفر می گذاشتند و دعوت شونده‌گان پس از شستن دست و صورت که از سوی کاسب صورت می گرفت، به غذا خوردن می پرداختند. ناگفته نماند که ساز و نقاره از صبح بامداد که به ساز سحری معروف است، تا موقع ناهار یا شام و دوباره پس از خوردن ناهار یا شام در دو نوع مردانه و زنانه ادامه داشت. مدت عروسی و جشن به فراخور توان مالی صورت می گرفت که از یک شب و روز شروع و تا هفت شب و روز با ساز و نقاره ادامه داشت.

واطلبون (پاگشا): پس از یک هفته از مراسم عروسی، کدخدا و چند نفر از اهالی ده از طرف خانواده عروس دعوت می شدند که اکثر مواقع هم به صرف شام بود. در این مراسم داماد و عروس، پدر، مادر، خواهر و برادر نیز دعوت بودند. در این دعوتی یا وطلبون هدایای خوب و مناسبی از طرف پدر عروس به داماد و عروس داده می شد. پس از وطلبونی از سوی پدر عروس، بقیه خانواده نیز به این امر مبادرت می کردند. چنانچه دعوت کننده از بستگان نزدیک بودند، پدر و مادر داماد را نیز دعوت می کردند.

عوامل مؤثر در تغییرات ازدواج در روستای بابامنیر^۱

۱. احداث راه‌های ارتباطی (جاده‌ها) ۲. گسترش استفاده از وسایل ارتباط جمعی،
۳. توسعه آموزش و پرورش رسمی، ۴. تأسیس نهادهای دولتی و ۵. جایگزینی نسلی.

احداث راه‌های ارتباطی (جاده‌ها)

راه یکی از عواملی است که از زمان پیدایش در این روستا، باعث ارتباط بسیار مهم و ضروری برای ساکنان روستا شد که قبل از آن بیشتر در حد معیشت خانواده صورت می گرفت. رفع موانع مسافت زیاد و چندروزه، کم شدن خطرات و سرعت بخشیدن به مبادلات و ارتباط، جایگاه ویژه و بزرگی را در تغییرات به خود اختصاص داد؛ از شیوه سبک زندگی (تهیه لباس، خوارک، پوشاک و لوازم منزل) گرفته تا مسائل کلان چون

۱. این عوامل بر اساس تقدم زمانی تنظیم شده‌اند.

۱۷۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سیاسی و اقتصادی، همانند مشارکت در همه‌پرسی‌ها، سرشماری‌ها، انتخابات محلی و منطقه‌ای و ملی، استفاده از امکانات بهتر برای زندگی و کار، ورود ادوات جدید کشاورزی و باغداری و دامداری.

ارتباطات، خرید و فروش، ورود اجناس و امکانات رفاهی اولیه از شهرهای نزدیک، شیوه زندگی و پوشاک و خوراک مردم را آرام‌آرام به سمت تغییر و تحول حرکت داد. با احداث جاده بابامنیر - گناوه^۱، تعداد خودروهای ورودی و خروجی در روستا نسبت به گذشته بیشتر شد و سرعت نقل و اتصالات رو به افزونی رفت تا جایی که تعداد خودروی روستا از یکی - دو تا در سال ۱۳۳۰، به ۳۰ خودرو در سال ۱۳۷۵ رسید.

ورود هر خودرو یا کامیون در این مسیر همچنان که با خود گردوغبار و خستگی به همراه داشت، توشه‌های تغییر و تحول را به ارمغان می‌آورد. تا جایی که هرکدام از اهالی ده تلاش می‌کرد با ارتباط با شهرهای جدید، جایگاه و مکان یا شخصی را برای ارتباط خود مهیا کند که به آن شخص طرف حساب می‌گفتند. طرف حساب کسی بود که فرد روستایی پس از خرید نیازمندی‌های سالیانه خود از او، اعم از خوراک یا پوشاک، در آخر سال هزینه را با او حساب می‌کرد و پول نقد یا زنده‌مال یا کالایی چون روغن حیوانی، پوست، گوشت، جاجیم، گلیم، گبه، تنباکو و میوه در عوض معامله می‌پرداخت.

گسترش استفاده از وسایل ارتباط جمعی

این عامل بی‌شک از جذاب‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل دگرگونی در عصر کنونی است و گستره آن از شهر گذشته و روستاهای دورافتاده را نیز در بر گرفته است. نفوذ این عامل از ساده‌ترین نوع آن که به صورت نوشتاری و کاغذی یا همان شیوه سنتی است تا پیشرفته‌ترین آن که همانا شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و حتی تلویزیون است و می‌توان از آن به عنوان عضو اصلی خانواده نام برد، چنان بر تاروپود جامعه و افراد تأثیر گذاشته که پرداختن به آن به دلیل گستره و پیچیدگی این عامل، نیازمند بررسی

۱. ابتدا جاده خاکی احداث شد و در سال ۱۳۷۵ در حدود ۷۰ کیلومتر از آن آسفالت گردید.

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۷۹

همه‌جانبه است. اما آنچه که می‌توان در مورد تأثیرات این عامل در روستای بابامنیر بیان کرد، این است که در جزئی‌ترین مسائل، ردپا و اثرات و پیامدهای آن به‌طور آشکار و محسوس دیده می‌شود.

اثرات این عامل، با توجه به جذابیت‌های منحصربه‌فرد آن در تمامی جوانب زندگی قابل مشاهده است؛ از نوع مصالح ساختمان گرفته تا پوشش، ادبیات شفاهی، کتبی، کردار و برخوردهای فردی و جمعی، مناسک و آداب و رسوم و حتی ساختمان‌های ذهنی و عقلی افراد، نگرش‌ها، برداشت‌ها، شیوه‌های درآمدزایی و اقتصادی کار و برداشت محصولات کشاورزی، دامداری و خدمات و... تأثیر این عامل در تغییر و تحولات روستا، بویژه در سال‌های اخیر بیشتر مشاهده می‌شود؛ سال‌هایی که عواملی چون راه، آموزش و پرورش و نهادهای دولتی، راه را برای عامل جذاب و پرمحتوا و بدون مانع وسایل ارتباط جمعی گشودند. نسل جدید زبان جدیدی از لحاظ ارتباط و دسترسی به امکانات و خدمات و خواسته‌های فردی و جمعی فراگرفته است و دیگر حتی عواملی را که در دوره‌های پیشین مؤثر بودند، بی‌فایده و کم‌تأثیر می‌پندارد. اکنون زبان تغییرات و تحولات، رساتر، گویاتر و بلندتر از همیشه به گوش خواستاران آن خواهد رسید.

در این روستا، علی‌رغم ممنوع بودن ماهواره، تقریباً از هر سه خانوار یکی از آنان دارای ماهواره است و طبیعتاً همگی این خانوارها در روستا دارای تلویزیون هستند و به شبکه‌های مجاز و استانی دسترسی دارند. دسترسی به شبکه‌های اینترنتی همچون سایت‌های علمی، آموزشی، فرهنگی، سرگرمی و وبلاگ^۱ و حتی عضویت در شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و توییتر از دیگر اثرات ورود وسایل ارتباطی به روستاست. یکی دیگر از وسایل ارتباط جمعی، تلفن همراه است. ورود این وسیله که به‌صورت فردی در جامعه به ایفای نقش می‌پردازد و استقلال و فردیت را در جوامع گسترش می‌دهد، هرچند دارای کارکرد آشکار ارتباط جمعی به حساب می‌آید، اما به دلیل آنکه دارای ویژگی‌های عمومیت یافتن و فراگیر شدن است، ویژگی اصلی و مهمی به نام مستقل بودن و فردیت به همراه دارد. هر فرد با داشتن این وسیله ارتباطی، خود

۱. بیش از ده وبلاگ متعلق به جوانان این روستا است.

۱۸۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

انتخاب گر و انتخاب شونده می شود و می تواند بر نوع و چگونگی آن نظارت و کنترل داشته باشد. در عین اینکه یک وسیله ارتباط جمعی است، اما دارای مشخصه فردی با ویژگی های منحصر به فرد به تعداد افراد استفاده کننده است.

به هر حال روند گسترش و نفوذ تلفن همراه در جامعه با سرعت و شتاب فراوان صورت گرفته است و مردم در دورافتاده ترین نقاط نیز امکان استفاده از آن را دارند. روستای بابامنیر نیز از این امکان بهره جسته و اهالی روستا از این عامل برای بهبود ارتباط و زندگی استفاده کرده اند. طبق آماري که از دفتر مخابرات روستا و پست بانک به دست آمده، حدود ۶۰۰ خط تلفن همراه در این روستا دایر است. متأسفانه به دلیل نداشتن اطلاع دقیق از زمان ورود تلفن همراه به روستا فقط می توان به تعداد آن اشاره کرد که آن هم از طریق قبوضی که در این روستا پرداخت شده است، مشخص می شود.

توسعه آموزش و پرورش رسمی

ورود آموزش و پرورش که با زحمات فراوان اهالی، بویژه بزرگان صورت گرفت، نقطه عطفی در بالا رفتن سطح دانش و آگاهی مردم به خصوص قشر جوان و نیازمند به مسائل آموزش و پرورش بوده است. آموزش و پرورش با دایر کردن رده های پایه در این روستا که زیر نظر آموزش و پرورش شهرستان نورآباد ممسنی بود، گامی بسیار اثرگذار در تغییر و تحولات بر عهده داشت و روستاییان اغلب محافظه کار، با این شیوه اندکی برای پذیرش آماده شدند.

امکانات تدریس، تحصیلی و وجود کتاب هایی که منجر به آشنایی حداقل با دنیای اطراف می شد و راه را برای برطرف کردن خواسته ها و نیازها هموار می کرد. ورود معلمان و آموزگاران از مناطق دیگر، وجود فرهنگ دیگری را برای مردمان به ارمغان آورد و از لحاظ گفتاری و نوشتاری تأثیر بالایی در فراگیری علوم، فنون و حتی سبک های زندگی جدید شد.

این عامل نخستین کانون رسمی در پذیرش فرزندان این روستا بود و با توجه به سیاست اصلی آموزش و پرورش که نیازی به ذکر آن نیست، توانست در سطوح اولیه دانش گام محکمی بردارد، اما متأسفانه به دلیل نبود برنامه جامع و در برخی از مقاطع و

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۸۱

رشته‌ها به دلیل نبود دانش‌آموز کافی، پدیده دانش‌آموز مهاجر به دیگر نقاط در عمل گسترده شد؛ چراکه باز با معیار و قالب آیین‌نامه‌ها و دستورات یکسان برای همه مناطق، چوب مقرون‌به‌صرفه نبودن را علم خورد و هنوز که هنوز است، سایه شوم این چوب هرازگاهی تنها نهاد رسمی و مهم روستا و منطقه را تهدید می‌کند.

تأسیس نهادهای دولتی

جدای از چرایی سیاسی وجود نهادها در روستا و مناطق دورافتاده از شهر، می‌توان وجود این مراکز را به‌عنوان عاملی تأثیرگذار که با خود شیوه و روش‌های متفاوت از آن منطقه را در برخی از موارد و مسائل به همراه دارد به‌وضوح دید. این نهادها امکانات و خدماتی را نیز به همراه خود خواهند داشت؛ امکاناتی که در توزیع منابع و خدمات در مسیر تحقق عدالت اجتماعی سهم بسزایی خواهند داشت.

امکانات و خدمات شیوه‌ها و راه‌هایی برای چگونگی اجرا و بهره‌برداری خواهند داشت که دارای ویژگی‌های همچون؛ به‌روز بودن، انجام سریع‌تر امور و کارها، انتقال و جابه‌جایی کم‌هزینه‌تر یا به قولی مقرون‌به‌صرفه بودن، عمومیت و فراگیر شدن و اشتغال‌زایی است. این ویژگی و انجام و عملکرد آن خود موجب بروز دگرگونی‌هایی در نوع زندگی، پوشش، خوراک، مسکن، رفتار و کردار می‌شود؛ چرا که همسویی و هماهنگی عاملی است که استفاده و بهره‌وری از آنها را امکان‌پذیر می‌نماید.

جایگزینی نسلی

جایگزینی نسلی یکی از عوامل مهم تغییر در روستای بابامنیر است که همپای دیگر عوامل توانسته، ذوق (ساختارهای ذهنی) روستائیان را هم‌نوا با تغییرات نوین به حرکت درآورد که بازتاب آن را می‌توان در تغییر در سبک زندگی: شامل شیوه پوشاک، تغذیه، عادات بهداشتی، شیوه گفتار و در الگوی گذرانیدن اوقات فراغت مشاهده کرد. خواسته‌ها و نیازهای نسل جدید که با شرایط جدید اجتماعی بایستی همخوانی داشته باشد، نیازمند برخی امکانات و منابع است که خود این امکانات و منابع تغییراتی را بنا به خواسته‌ها و عملکرد جوانان به وجود خواهد آورد.

۱۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جوانی، شور و نشاط، دسترسی به دنیای دیگران، تنوع‌طلبی، زیاده‌خواهی، تأثیرپذیری بیشتر آنان نسبت به نسل گذشته، داشتن مهارت و آگاهی جدید، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و... همگی از عوامل تأثیرگذار بر تقویت جایگزینی نسلی در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی روستای مذکور است. از آنجا که تعداد جوانان در روستا، جمعیت بیشتری را تشکیل می‌دهند، می‌توان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری نسلی در این روستا را از عوامل اصلی به شمار آورد.

تغییرات و تحولات خانواده و ازدواج

با توجه به شواهد و داده‌های اطلاع‌دهندگان، تا زمانی که وسایل ارتباط جمعی از جمله جاده نبود و مسافرت‌ها و دیدوبازدیدها فقط در محدوده جغرافیایی منطقه صورت می‌گرفت، ازدواج بیشتر به صورت درون‌گروهی انجام می‌شد.

نبود جاده خاکی و آسفالت تا قبل از سال ۱۳۳۴، با استناد به مشاهدات و تأکید اطلاع‌دهندگان روستا، ازدواج برون‌گروهی را تقریباً ناممکن می‌کرد. اما با آمدن عشایر و یکجانشینی آنان، ازدواج در میان این دو گروه قومی صورت گرفت و کمی از حالت درون‌گروهی محض خارج و دایره ازدواج کمی گسترده‌تر گردید. هرچند که باز این نوع ازدواج خود پس از مدتی به ازدواج درون‌گروهی شباهت پیدا کرد و خویشاوندی سببی به سمت خویشاوندی نسبی حرکت نمود.

با این همه از سال ۱۳۳۰ به بعد با گسترش ارتباطات و دیدوبازدیدهای معمولی، مواردی از ازدواج برون‌گروهی وجود داشت که آن هم با توجه به ارتباطات خانوادگی، معاملات تجاری و سنخیت فرهنگی و زبان بسیار نادر بود.

بر اساس آمار ثبت‌شده در بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ از ۱۴۰ مورد ازدواج، تعداد ۲۰ مورد آن برون‌گروهی بود که با اقوام دیگر با توجه به موارد ذکر شده صورت گرفته است. از سال ۱۳۵۷، با دگرگونی و تغییرات اساسی در بینش و شکل رسمی و غیررسمی دیدگاه‌های مردم و سیاست کلان‌کشوری در جهت اهداف جمهوری اسلامی که یکسان و برابر نمودن تمامی اقشار و برابری و عدالت در نگاه سیاستمداران بود، گستردگی ازدواج از درون‌گروهی به برون‌گروهی گرایید و مردم با استقبال از این

۱۸۳ ❖ بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی

تغییر، آن را پذیرفتند؛ هر چند نزد برخی از اهالی هنوز اصالت خانوادگی و داشتن اصل و نسب از شاخص‌های مهم و اساسی محسوب می‌شود. بر اساس آمار، میانگین ازدواج‌های صورت گرفته در طول سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ در هر سال ۲۰ مورد ازدواج بوده است. بر مبنای آماری که در دفاتر ثبت شهرستان نورآباد ممسنی، گچساران، کازرون و آمار دفترخانه اسناد رسمی خود روستای بابامنیر تا سال ۱۳۶۶ وجود داشت، از ۵۰۰ مورد ازدواج در طول مدت ذکرشده، حدود ۳۰۰ مورد ازدواج برون‌گروهی ثبت گردیده است. بر اساس یافته‌های فوق می‌توان اذعان داشت از آنجاکه ازدواج‌های برون‌گروهی در سال‌های اخیر بیشتر صورت گرفته است و همچنین با توجه به حس استقلال و فردیت نسل جدید و آموزه‌های نهادهای دولتی، تمایل به سمت خانواده هسته‌ای بیشتر شده است. تا جایی که از حدود ۳۹۹ خانوار موجود این روستا، فقط تعداد ۱۰ خانواده از نوع گسترده بوده که آن هم به دلیل نداشتن کار مناسب و درآمد کم و تحصیل پایین است.

جدول ۱: تغییرات و تحولات خانواده و ازدواج طی سه دوره زمانی

دوره زمانی			نوع خانواده	
۱۳۵۷ - ۱۳۹۲	۱۳۲۱ - ۱۳۵۷	۱۳۰۰ - ۱۳۲۰		
هسته‌ای	گسترده	گسترده		
کمتر صورت می‌گیرد	مرسوم بود	مرسوم بود	درون‌گروهی	نوع ازدواج
مرسوم شده است	مرسوم نبود	مرسوم نبود	برون‌گروهی	
منسوخ گردیده است	وجود داشت	انجام می‌شد	ناف‌برون	انواع ازدواج
منسوخ گردیده است	وجود داشت	انجام می‌شد	باشلقی (شیربها)	
منسوخ گردیده است	وجود داشت	انجام می‌شد	خون‌بس	
منسوخ گردیده است	وجود داشت	انجام می‌شد	گابه‌گا	
هنوز صورت می‌گیرد	وجود داشت	انجام می‌شد	فامیلی	
منسوخ گردیده است	وجود داشت	انجام می‌شد	هم‌په‌ری	

جدول ۲: تغییرات اجتماعی و فرهنگی مربوط به ازدواج طی سه دوره زمانی

دوره زمانی			
۱۳۵۷ - ۱۳۹۲	۱۳۲۱ - ۱۳۵۷	۱۳۰۰ - ۱۳۲۰	
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	خواستگاری
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	بله برون
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	مهریه
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	جهیزیه
وجود ندارد	وجود داشته	وجود داشته	شیربها
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	عقد
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	حنابندان
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	حجله
کمتر صورت می‌گیرد	وجود داشته	وجود داشته	سازسحری
منسوخ گردیده است	وجود نداشته	وجود داشته	اومیخکی
منسوخ گردیده است	وجود نداشته	وجود داشته	داماد به رودخانه
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	سر تراشون
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	رقص و پای کوبی
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	پذیرایی روز عروسی
وجود دارد	وجود داشته	وجود داشته	واطلبون (پاکشا)

جمع بندی

مشاهدات و مصاحبه‌ها و پژوهش‌های به‌عمل‌آمده در این روستا از تغییراتی حکایت دارد که در برخی حوزه‌ها نه‌چندان قابل‌مشاهده و آشکار و در برخی دیگر کاملاً قابل‌مشاهده و حتی متضاد با آن چیزی است که در قبل وجود داشته است. این دگرگونی‌ها اغلب در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به‌طور کل سبک زندگی تا الگوی مصرف به وجود آمده است.

بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی ❖ ۱۸۵

شتاب تغییرات در این روستا، بویژه تغییرات فردی، همچون روستاهای دیگر همپا و گاهی با شتاب بیشتری از جامعه شهری بوده است؛ تغییرات فردی به تغییراتی اطلاق می‌شود که با توجه به دانش و سرمایه فرد در حیطه زندگی او صورت می‌پذیرد. این شدت و شتاب عنوانی را به وجود آورده به نام شهری‌شدن روستا که دارای ویژگی و ظواهر مدرنیته و کاربرد فناوری‌هایی چون برق و وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره و... است تا جایی که چندان تفاوتی بین روستا و شهر از لحاظ این منابع و امکانات نباشد. این شهری‌شدن شاید از لحاظ شهروندی و ساختار اداری اتفاق نیفتد - که روستای بابامنیر چنین است - اما در کل شکلواره‌ای از این شهری‌شدن است. در این شکل، بیشتر مناسبات، برخوردها، مناسک، آداب و رسوم و حتی شیوه‌های برگزاری رسوم و آیین‌های مذهبی و ملی آرام‌آرام با موج تغییرات همسو می‌گردد. اگرچه بستر مناسب برای قرار گرفتن در این حرکت نامناسب است و در برخی زمینه‌ها وجود ندارد، اما نمی‌توان از تغییر و دگرگونی در این روستا به سادگی گذشت. برخی از این بسترها با توجه به سرمایه اولیه که همان نسل جدید است، می‌تواند کمک شایانی در بهتر انجام گرفتن این حرکت باشد. شناخت پدیده جایگزینی نسلی در این روستا با توجه به نیازها و خواسته مردم می‌تواند در کم کردن برخی از ناهنجاری‌ها کمک کند و در بالا بردن توان اقتصادی و اجتماعی کشور و منطقه مفید و گامی کم‌هزینه باشد.

منابع

- آزادارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی. پاییز، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۲۹۷ - ۲۷۹.
- امانی، مهدی (۱۳۸۰). «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (۱۳۷۵ - ۱۳۳۵)». نامه علوم اجتماعی. دوره ۱۷، شماره ۱۷، تابستان، صص ۴۵ - ۳۳.
- جعفری مژدهی، افشین (۱۳۸۲). «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران». فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۱، شماره ۵، بهار صص ۱۰۴ - ۸۳.

۱۸۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

خلج‌آبادی فراهانی، فریده و علی رحیمی (۱۳۹۰). «بررسی روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیا و اقیانوسیه طی چهار دهه گذشته (۲۰۱۰-۱۹۷۰)». همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، مرکز آمار ایران، آذر ۱۳۹۰.

روشه، گی (۱۳۷۰). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه منصور وثوقی. تهران، نشر نی.
محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۳). «تغییرات اجتماعی ازدواج». **مجله مطالعات راهبردی زنان**. زمستان، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۲۰۲ - ۱۷۲.

محمودیان، حسین؛ سراج‌الدین محمودیانی و سهیلا شهریاری (۱۳۹۴). «ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه». **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**. دوره ۴، شماره ۶، بهار صص ۱۶۶ - ۱۴۵.
مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). **سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰**.